

## تحلیل بازنمایی لباس اجتماعی زنان در سینمای ایران دهه ۷۰ و ۸۰

متینه عبدالله زاده / دانشجوی کارشناسی ارشد هنر اسلامی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران.\*  
matinabdollahzade381@gmail.com

### چکیده

یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های قابل تغییر و تحول در دنیا، پوشاک است که با اعتنا به عرضه هر روزه سبک‌ها و طرح‌ها برای زنان در این بین پوشش زنان نسبت به مردان تغییرات بیشتری داشته‌است. در هر دوره‌ای از تاریخ، پوشش نیز دچار تنوع و تحولات بسیاری شده‌است، اما در طی زمان و دوره‌های مختلف و با گسترش فناوری در زمینه لباس و پوشش تغییرات بسیاری ایجاد شده‌است. منظور از رمزگان لباس یا نوع پوشش، توجه به سبک پوشش آن است. دسته‌بندی که از نوع پوشش ارایه می‌گردد، مربوط به نحوه نمایش افراد در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی است. در دهه هفتاد، تحول دوباره‌ای در مد ایرانی ایجاد شد و در دهه ۸۰ به دلیل اینترنت و بازگشایی دریچه عظیمی از ارتباطات به روی جوانان، مد شکل غربی به خود گرفت و تحول نامنظم و گسترده‌ای ایجاد شد. بخشی از هویت طبقه اجتماعی، متعلق به پوشش زنان است. با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده در این زمینه، پوشش زنان در قالب یک هنجار تعریف شده‌است. در ایران پس از انقلاب، در زمینه فرم لباس اجتماع زنان تحولاتی اتفاق افتاده‌است. از دهه ۷۰ به بعد، با انقلاب در پوشش زنان کوتاه شدن قد مانتوها، اضافه شدن چاک، استفاده از تزئینات، مدل‌های کوتاه، حذف کامل دکمه‌ها و... در دهه‌های پس از آن، از بیشترین تحولات لباس اجتماع زنان محسوب می‌شود. این تحولات هم‌راستا با وقایع اجتماعی مختلفی رخ داد که مهم‌ترین آن‌ها بعد از انقلاب، جنگ تحمیلی و تغییر دولت‌ها و روابط سیاسی با غرب و رواج اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای را می‌توان نام برد. پژوهش حاضر نشان می‌دهد که تحولات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی بر نحوه حضور، فعالیت و پوشش زن در سینمای پس از انقلاب تاثیر بسزایی داشته‌است و هم‌چنین تاریخ سینما حاکی از آن است که نحوه پوشش و بازنمایی تصویر زن ارتباط تنگاتنگی با نقش آن شخصیت در فیلم دارد و همچنین از عناصر اصلی ساخت فیلم است.

کلیدواژه‌ها: بازنمایی، لباس اجتماع، طراحی لباس، زنان، سینما.

## **Analysis of the Representation of Women's Social Dress in Iranian Cinema of the 70s and 80s**

**Matineh Abdollahzadeh** / Master's Student of Islamic Art, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran.\*

matinabdollahzade381@gmail.com

### **Abstract**

One of the main areas that can be changed and transformed into the world is clothing, which has seen more changes in women's clothing compared to men's clothing due to the daily supply of styles and designs for women. In every period of history, clothing has undergone many changes and changes, but during different periods and with the development of technology, many changes have been made in the field of clothing and clothing. Paying attention to the style of the cover is what the code of clothes or type of cover means. The way people are depicted in Iranian movies and series is related to the category provided by the type of coverage. In the 70s, there was another transformation in Iranian fashion, and in the 80s, due to the Internet and the opening of a huge window of communication with the youth, Western fashion took on a massive and irregular transformation. Women's clothing is a component of social class identity. The definition of women's clothing as a norm is based on the studies and surveys conducted in this field. Women's clothing in Iran has undergone changes after the revolution. From the 70s onwards, with the revolution in women's clothing, the shortening of coats, the addition of chucks, the use of decorations, short models, the complete removal of buttons, etc., in the decades after that, is considered one of the most significant changes in women's clothing. These developments occurred in line with various social events, the most important of which are after the revolution, the imposed war the change of governments and political relations with the West, and the spread of the Internet, social, and satellite networks. The current research shows that the political, social, and cultural developments have had a significant impact on the presence, activity, and clothing of women in post-revolutionary cinema, and the history of cinema indicates that the manner of covering and representing the image of a woman is closely related to the role of that character in the film. It is also a crucial component of filmmaking.

**Keywords:** representation, community clothing, clothing design, women, cinema.

## مقدمه

یکی از اساسی‌ترین حوزه‌های قابل تغییر در جهان پوشاک بوده‌است که با توجه به عرضه هر روزه مدل‌ها و طرح‌ها برای زنان، در این میان، پوشش زنان نسبت به مردان تغییرات بیشتری داشته‌است. در هر دوره‌ای از تاریخ پوشش نیز دچار تنوع و تحولات بسیاری شده‌است. برخلاف گذشته که پوشش فقط ابزاری برای محافظت انسان در برابر سرما و گرما بوده‌است، اما در طی زمان و با گسترش فناوری در زمینه لباس و پوشش نیز تغییرات بسیاری ایجاد شده و دوره‌ای آغاز شد که پوشش و لباس تبدیل به وسیله‌ای برای زیباتر شدن، جلوه نمودن و مشخص نمودن جایگاه و پایگاه افراد شده بود.

مد دهه ۱۳۶۰ شمسی به دلیل سادگی لباس‌ها و توجه بیشتر به باطن از ظاهر، باعث شد تا نوع خاصی از پوشش پس از انقلاب به وجود آید که می‌توان آن را مد انقلابی نامید. در دهه هفتاد، تحول دوباره‌ای در مد ایرانی ایجاد شد و در دهه ۸۰ به دلیل اینترنت و بازگشایی دریچه عظیمی از ارتباطات به روی جوانان، مد شکل غربی به خود گرفت و تحول نامنظم و گسترده‌ای ایجاد شد. بخشی از هویت طبقه اجتماعی متعلق به پوشش زنان است. با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده در این زمینه، پوشش زنان در قالب یک هنجار تعریف شده‌است. در ایران پس از انقلاب، در زمینه فرم لباس اجتماع زنان، تحولاتی اتفاق افتاده‌است. از دهه ۷۰ به بعد با انقلاب در پوشش زنان کوتاه شدن قد ماندها، اضافه شدن چاک، استفاده از تزیینات، مدل‌های کوتاه، حذف کامل دکمه‌ها و... در دهه‌های پس از آن از بیشترین تحولات لباس اجتماع زنان محسوب می‌شود که این تحولات هم‌راستا با وقایع اجتماعی مختلفی رخ داد که مهمترین آن‌ها بعد از انقلاب، جنگ تحمیلی و تغییر دولت‌ها و روابط سیاسی با غرب و رواج اینترنت و شبکه‌های اجتماعی و ماهواره‌ای را می‌توان نام برد (اسدی فارسانی و نجفی معتمد، ۱۴۰۰). منظور از رمزگان لباس یا نوع پوشش، توجه به سبک پوشش آن است. دسته‌بندی‌ای که از نوع پوشش آرایه می‌گردد، مربوط به نحوه نمایش افراد در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی است. بر این اساس و فارغ از تعاریف غربی، رمزگان لباس را در سه گروه پوشش مذهبی، شبه مدرن و مدرن برای مردان و زنان طبقه‌بندی شده‌است. بنابر مطالعات انجام گرفته و استفاده از تجربیات کارگردانان و فیلم‌سازان سینمای ایران که طی جلسات متعدد و با حضور جمعی از صاحب‌نظران این امر صورت پذیرفته، به این نتیجه

رسیده‌اند که برحسب نوع فرهنگ جامعه این تعاریف متغیرند و هر بازه زمانی اقتضای خاص خود را دارد. بنابر این با توجه به شرایط زمانی و مکانی و فرهنگ حاکم بر فیلم‌های سینمای ایران در دهه ۷۰ و ۸۰، مصادیق هر یک از تعاریف مانند نوع پوشش، دیالوگ و... دسته‌بندی شده‌اند (عاملی رضایی، ۱۳۹۸).

سینما هنر هفتم و از مهم‌ترین وسایل ارتباط جمعی است. سینما همان کارکردهای آشنا و متعارف رسانه را ایفا می‌کند، سرگرمی فراهم می‌آورد، آگاهی می‌دهد، تحلیل می‌کند، باعث انسجام اجتماعی می‌شود و مهم‌تر از همه این‌که دنیای پیرامون را برای مخاطب‌های خود تعریف می‌کند و به عبارتی، آن را می‌سازد. مطالعه سینما به عنوان یک عنصر فرهنگی و اجتماعی، می‌تواند ما را به عمق لایه‌های حیات اجتماعی مان برساند. در چند دهه گذشته، تغییراتی محسوس و اساسی در نحوه نگرش نسبت به زنان و بازنمایی آن‌ها در سینمای ایران به وجود آمده‌است. واضح است که روایت‌گری از زن و مفهوم زن در سینما بازنمایی آن‌چه در بطن جامعه وجود دارد، نیست، بلکه در بسیاری مواقع بر ساخت واقعیت دل‌خواه از زن و سوق دادن افکار عمومی به مفهوم زن مطلوب در چارچوب موردنظر نظام فرهنگی مسلط بر جامعه است (خانیکی، گوهریان و رهبر، ۱۳۹۲).

### پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در زمینه مطالعه پوشش زنان ایرانی طی ادوار تاریخی و همچنین بررسی پوشش اجتماعی زنان با توجه به فرهنگ و دوره‌های مختلف در ایران انجام شده‌است که موارد زیر را می‌توان به عنوان پیشینه برای آن دانست.

خانیکی، گوهریان و رهبر (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تصویر ستاره در سینمای ایران (مطالعه موردی ستاره زن نیمه دوم دهه ۷۰)»، تحولات اجتماعی به خصوص در مورد زنان در دهه‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۷۰ ایران را بررسی کرده‌اند. این پژوهش به مسئله حضور زنان در موقعیت‌های متفاوت جامعه و همچنین بررسی پوشش متفاوتی از زنان در سینمای ایران با توجه به مطالعه موردی هدیه تهرانی که ستاره سینمای آن دوران بود، پرداخته‌است. همچنین اسدی فارسانی و نجفی معتمد (۱۴۰۰) در مقاله‌ای با عنوان «عوامل اجتماعی موثر در تحولات لباس اجتماعی زنان ایرانی بعد از انقلاب ۵۷»، به نحوه بررسی پوشش زنان از دهه ۷۰ به بعد در ایران پرداخته‌اند. همچنین عوامل تاثیرگذار بر پوشش زنان در دهه ۹۰ و تحولات لباس

اجتماع زنان را مورد بررسی قرار داده‌اند.

تفاوت پژوهش حاضر با موارد ذکر شده، در این امر است که موضوع مطالعاتی از حیث دوره زمانی و فیلم‌ها متفاوت است. همچنین در این نوشتار، اهتمام به جنبه سینمایی بیشتر است و در نهایت، تاکید در این پژوهش، بر مضامین اجتماعی زنان و چگونگی بازنمایی لباس اجتماعی زنان است.

## بازنمایی

بازنمایی فرآیندی است که از یک سو مرتبط با عالم عینیات خارجی و از سوی دیگر، کنشی است که فاعل بازنما از طریق میان‌جی به مخاطب ارایه می‌کند و مفهوم کلی بازنمایی ریشه در دیدگاه فلسفی افلاطون دارد. افلاطون بر این باور بود که هنر، بازنمایی و تقلید طبیعت است. این مفهوم در تاریخ فلسفه و همچنین در گذر زمان، معانی متفاوتی یافته‌است. فرآیند بازنمایی در این معنا، در گذر از سه جهان «بود»، «نمود» و «بازنمود» شکل می‌گیرد. حاصل این که بازنمایی یک امر بیرونی، از فرآیندی چند مرحله‌ای می‌گذرد که هر یک، از ساختار، حدود، ایده و اراده پیش ساخته و یا پیش فهم اشباع شده‌اند و انتقال صرف و بدون خدشه مفاهیم عینی به مخاطب را زیر سوال می‌برند (کرم‌اللهی و حسینی، ۱۳۹۶).

## مطالعات بازنمایی

بر مبنای تقسیم‌بندی روزک، در دومین برهه از چهار برهه مطالعاتی در این رشته، غلبه با مطالعات متنی بوده‌است. به تعبیر وی، در این دوره، تحلیل‌های ادبی، بررسی فرهنگ عامه، زندگی روزمره، رسانه و فیلم شکل جدیدتری به خود گرفته، نقش فرهنگی رمزگان متنی و معانی منتج از متون اهمیت دوچندان می‌یابد. کتاب معروف هال، با عنوان بازنمایی، فصلی مستقل را به چیستی بازنمایی اختصاص داده‌است. هال در این فصل، بر رابطه ناگسستگی مطالعه بازنمایی با زبان تاکید می‌کند. زبان با هر تلقی و برداشتی درگیر امر بازنمایی است. خواه زبان را رسانه‌ای معصوم و شفاف در برابر واقعیت فرض کنیم و خواه آن را کدر و عاصی بنامیم، از اهمیت آن در مطالعه بازنمایی کاسته نمی‌شود. سنت مطالعات فرهنگی اساساً معتقد است زبان به مثابه نظامی از بازنمایی عمل می‌کند.

## لباس اجتماعی زنان

تاثیر تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی بر نحوه حضور، فعالیت و پوشش زن در سینمای پس از انقلاب بسیار به چشم می‌خورد. زن عصر انقلاب همچون ادوار گذشته، در مرکز درگیری‌های اجتماعی و مجادلات سیاسی قرار می‌گیرد. در این مقطع زمانی، همه آن‌چه در عصر رضا شاه و مقوله کشف حجاب مطرح شده بود، بار دیگر به میان می‌آید و زن بار دیگر، نماینده نگرش فرهنگی نو و وسیله اجرای قوانین مدنی و مذهبی می‌شود. پس از کشمکش‌های دو سال اول انقلاب، سرانجام همه زنان ملزم به رعایت حجاب می‌شوند. چادر بلند و مانتوی فراخ، بر چهره و اندام زن می‌نشیند و روسری بزرگ، موهایش را پنهان می‌سازد. هدف اصلی لباس اجتماع و سبک پوشش حذف وجوه جنسی زن است.

مجموعه‌ای از عوامل درونی و بیرونی، سبب ایجاد تفاوت در دنیای زنان و مردان می‌شود و ادبیات و هنر از آن بی‌نصیب نمی‌ماند و جهان ذهنی و واقعی هنرمند را بازتاب می‌دهد. همچنین این مسئله در سبک پوشش زن با توجه به سطح اجتماعی آن در دوره‌های مختلف در جامعه دیده می‌شود. اگرچه شعر و ادبیات چنان ژرف و گسترده‌است که در قالب تعریف نمی‌گنجد، می‌توان به ایجاز، ادبیات را مجموعه‌ای از نوشته‌ها و سروده‌های خلاقانه شاعران و نویسندگانی خواند که به زیباترین سخن، احساسات و عواطف و اندیشه را بیان می‌کنند، مخاطب را برمی‌انگیزند و ایجاد لذت می‌کنند یا به تفکر او می‌دارند. در دهه‌های اخیر، تفاوت ادبیات زنانه و مردانه موضوع مورد بحث در میان فمینیست‌ها بوده‌است و در خصوص موضوع فراجنسیتی بودن ادبیات، باید افزود که والایی هنر به انسانی بودن اندیشه‌ای نهفته در آن است.

سیاست برآمده از لزوم حفظ حجاب زن، به عنوان یکی از مولفه‌های اصلی انقلاب اسلامی عرصه سینمای ایران را نیز دربرمی‌گیرد. سیستم پیچیده نجابت در معنای عام حجاب بر کلیه سطوح صنعت سینما و مضامین سینمایی حاکم می‌شود. هدف اصلی این سیستم، برهم زدن رابطه مستقیم و بی‌واسطه حضور زن در فیلم، با ترویج فساد، بی‌بندوباری و صحنه‌های هرزه و مبتذلی است که در دوران پهلوی توسط سینما بنا نهاده شده‌است. بدین ترتیب، مقررات و چارچوب‌های نجابت و متانت اسلامی، در مورد نحوه پوشش، نگاه و حرکات و سکانات و در نهایت، بازی بازیگران در نظر گرفته می‌شود.

## معرفی و تحلیل

تحلیل و ارزیابی لباس یا نوع پوشش، توجه به سبک پوشش آن است (خانیکی، گوهریان و رهبر، ۱۳۹۲). دسته‌بندی که از نوع پوشش ارایه می‌شود، مربوط به نحوه نمایش افراد در فیلم‌ها و سریال‌های ایرانی است.

جدول ۱: تقسیم‌بندی پوشش، (نگارنده)

دهه	پوشش مذهبی	پوشش شبه‌مدرن	پوشش مدرن
۷۰	چادر	مانتوهای بلند و گشاد، مقنعه و یا روسری بلند	استفاده از مانتوهای مدل جدید و شال‌های روی روسری و گریم و آرایش غلیظ
۸۰	روسری‌های بلند	مانتوها کمی گشاد و دارای طرح‌های جدید	سبک متفاوتی از لباس، شلوار و بلوز کوتاه‌تر

جدول ۲: پوشش طبقات اجتماعی، (نگارنده)

دهه	ضعیف	متوسط	بالا
۷۰	پوشش چادر	پوشش بلوز و دامن	پوشش مانتوی کوتاه‌تر و شال
۸۰	پوشش چادر و روسری‌های بلند	مانتوهای بلند و گشاد، مقنعه	پوشش بلوز، مانتوی کوتاه و شلوار

## نتیجه

با توجه به مطالعات و بررسی‌های انجام شده در پژوهش حاضر، زنان در موقعیت‌هایی که خود را روی صحنه و در حال اجرای یک نمایش یافته‌اند، پوشش متناسب‌تری با صحنه برگزیده‌اند، اما گاهی که احساس فراغت بیشتری داشته، پوشش متفاوتی پیدا کرده‌اند. در اوایل دهه ۶۰، برای حضور زنان در فیلم‌ها، محدودیت‌های سخت‌گیرانه‌ای در خصوص موضوع پوشش آن‌ها اجرا شده‌است. افزایش سطح مطالبات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در اوایل دهه ۷۰ و ۸۰ به چشم می‌خورد که این تحولات درباره زنان شتاب بیشتری داشته‌است. با توجه به اهمیت یافتن مسئله زنان در جامعه، از جمله حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی که باعث نشان دادن اعتماد به نفس، جسارت، استقلال و سایر ویژگی‌هایی بود که مسئله لباس اجتماعی و نوع پوشش را حایز اهمیت می‌کرد. بدین ترتیب، تقلای زن در دهه ۶۰، برای بودن و ماندن، در دهه ۷۰ به ثمر نشست و به تلاشی بی‌وقفه برای حضوری بالنده و پویا مبدل می‌شود. همچنین این موضوع (پوشش متفاوتی از زنان) در سینمای ایران به

خصوص در دهه ۷۰ و ۸۰ دیده می‌شود و لباس اجتماعی زن در فیلم‌های این دو دهه بدین صورت نمایش داده شده که با توجه به نوع خاصی از پوشش مثل (بلوز و شلوار) توانسته برای شخصیت‌های فیلم و در مورد نشان دادن زن مستقل، نوگرا، فعال و مدرن امروزی را به مخاطب ارائه دهد.

### منابع

- اسدی فارسانی، مجید و نجفی معتمد، فاطمه. (۱۴۰۰). «عوامل اجتماعی موثر در تحولات لباس اجتماع زنان ایرانی بعد از انقلاب ۵۷». *مطالعات کاربردی در علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی*. ۴(۲)، ۱-۱۲.
- خانیکی، هادی؛ گوهریان، الهام و رهبر، مصطفی. (۱۳۹۲). «تصویر ستاره در سینمای ایران (مطالعه موردی ستاره زن نیمه دوم دهه ۷۰)». *مطالعات فرهنگی و ارتباطات*. ۹(۳۳)، ۳۱-۵۶.
- عاملی رضایی، مریم. (۱۳۹۸). «جنسیت و قدرت در گفتمان زنانه رمان نویسی ایران (با تکیه بر رمان‌های زنان در دو دهه ۷۰-۸۰)». *نقد و نظریه ادبی*. ۴(۲)، ۹۹-۱۲۴.
- کرم‌اللهی، نعمت‌الله و حسنی، محمد. (۱۳۹۶). «مبانی نظری مفهوم بازنمایی؛ با تاکید بر ابعاد معرفت‌شناختی». *معرفت فرهنگی اجتماعی*. ۸(۴)، ۴۵-۶۸.